

## بررسی فرمول‌واره‌های بیان مؤدبانه تقاضا در گویش گیلکی رشت با تأکید بر نقش نشانگرهای ادب و مهیاکننده‌ها

کتابیون مسیب‌زاده مقدم<sup>۱</sup>، طیبه خوشبخت<sup>۲\*</sup>، حبیب گوهری<sup>۳</sup>، شهرام ولیدی<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران

۲. استادیار، گروه زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران

۳. استادیار، گروه زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران

۴. استادیار، گروه زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۴

دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۸

## Polite Requests Formulaic Expressions in Gilaki Dialect of Rasht with an Emphasis on the Role of Politeness Markers and Mitigators

Kathayoun Mosayyeb Zade Moghaddam<sup>1</sup>, Tayyebeh Khoshbakht<sup>2\*</sup>, Habib Gowhari<sup>3</sup>, Shahram Validi<sup>4</sup>

1. Ph.D Student of Linguistic, Ilam branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran

2. Assistant Professor, Department of Linguistic, Ilam branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran

3. Assistant Professor, Department of Linguistic, Ilam branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran

4. Assistant Professor, Department of Linguistic, Ilam branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran

Received: 2019/07/09

Accepted: 2019/08/26

### Abstract

Request formulaic expressions constitute an important part of the formulaic expressions whose concepts, in terms of sociolinguistics, can be interpreted into specific socio-cultural patterns. Despite its importance, research on Gilaki dialect of Rasht received little attention. The purpose of this article, firstly, is to identify the politeness markers and mitigators in the polite request formulae in Gilaki of Rasht, and secondly, from a viewpoint of sociolinguistics, is to evaluate the role of these formulaic expressions in social interactions. In this study, using a qualitative approach and ethnographic research method, the data were derived from three sources of natural speech, language intuition and semi-structured interview. The sample consisted of informants of three villages in Rasht who were selected by a snowball sampling method. The extraction of formulaic expressions was based on Blum-Kulka et al.'s (1989) model, and the sociological content analysis of formulaic expression was based on Ferguson's (1976) model. The findings presented the most common markers and mitigators of polite requests in Gilaki of Rasht. The results revealed some social values such as socialization, politeness in social interactions, respecting the rights of others, humility and the spirit of cooperation, which are institutionalized in the culture of this region.

**Keywords:** Gilaki dialect of Rasht, Formulaic expression, Polite requests, Politeness markers, Mitigators, Sociolinguistics.

### چکیده

فرمول‌واره‌های بیان تقاضا، بخش مهمی از فرمول‌واره‌ها هستند که مفاهیم آن‌ها از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی قابل تأویل و تفسیر به الگوهای فرهنگی- اجتماعی خاصی است. علی‌رغم اهمیت این موضوع، پژوهش خاصی در مورد آن‌ها در گویش گیلکی رشت صورت نگرفته است. هدف این مقاله در گام نخست شناسایی و معرفی نشانگرهای ادب و مهیاکننده‌ها در زنجیره فرمول‌واره‌های بیان مؤدبانه تقاضا در گویش گیلکی رشت و در گام دوم با دیدگاهی مبتنی بر زبان‌شناسی اجتماعی، واکاوی نقش این فرمول‌واره‌ها در تعاملات اجتماعی است. داده‌ها، با استفاده از رویکرد کیفی و روش قوم‌نگاری، از منابع سه‌گانه داده‌های گفتار طبیعی، شم زبانی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با گویشوران اخذ شده است. نمونه آماری، متشکل از گویشوران میانسال و مسن بومی از سه روستای توابع شهرستان رشت است که با روش گلوله‌برفی انتخاب شدند. استخراج فرمول‌واره‌ها بر مبنای مدل بلوم-کالکا و همکاران (۱۹۸۹) و تحلیل جامعه‌شناختی آنها، بر اساس مدل فرگوسن (۱۹۷۶) صورت گرفته است. یافته‌های این پژوهش، به شناسایی طیفی از رایج‌ترین نشانگرها و مهیاکننده‌ها در ساختار فرمول‌واره‌های بیان مؤدبانه تقاضا در گویش گیلکی رشت منجر شد. نتایج تحلیل محتوای فرمول‌واره‌ها، بیانگر برخی ارزش‌های اجتماعی نظیر نقش جامعه‌پذیری، نقش ادب در تعاملات اجتماعی، اهمیت رعایت حقوق دیگران، تواضع و روحیه مشارکت می‌باشد که در فرهنگ گویشوران منطقه نهادینه شده است.

**کلیدواژه‌ها:** گویش گیلکی رشت، فرمول‌واره، بیان مؤدبانه تقاضا، نشانگرهای ادب، مهیاکننده‌ها، زبان‌شناسی اجتماعی.

\*Corresponding Author: Tayyebeh Khoshbakht

Email: khoshbakht\_ta@yahoo.com

\* نویسنده مسئول: طیبه خوشبخت

## مقدمه

هر جامعه‌ای دارای مجموعه‌ای خاص از هنجارهای اجتماعی است که شامل قواعدی کم و بیش آشکارند و رفتارهای خاصی را توصیه می‌کنند. این قواعد در سازه‌های زبانی از جمله در «فرمول‌واره‌ها»<sup>۱</sup> نمود پیدا می‌کنند. ری و پرکینس<sup>۲</sup> (۲۰۰۰)، فرمول‌واره‌ها را چیدمانی از واژه‌ها و عناصر زبانی پیش‌ساخته می‌دانند که به‌عنوان یک واحد زبانی در حافظه ذخیره و هنگام نیاز، به‌صورت یک مدخل از حافظه بازیابی می‌شوند. توانایی استفاده صحیح از فرمول‌واره‌ها، مؤلفه مهمی از توانش کاربردشناختی<sup>۳</sup> به‌شمار می‌رود. توانش کاربردشناختی، دانشی است که در ذهن گویشور زبان شکل می‌گیرد و به او توانایی تولید و درک جملات متناسب با بافت معین را می‌دهد. پاولی و سایدر<sup>۴</sup> (۱۹۸۳)، بر این باورند که تسلط کامل و روان بر یک زبان، تا حدود زیادی به تسلط گویشور بر فرمول‌واره‌های آن زبان بستگی دارد. از این‌رو شناخت فرمول‌واره‌ها و کاربرد مناسب آنها در ارتباط با بافت و موقعیت ارتباطی تأثیر به‌سزایی در برقراری ارتباط موفق دارد و در بسیاری از موارد، یکی از وجوه تمایز گویشوران بومی با غیربومی است.

فرمول‌واره‌ها اقسام مختلفی دارند که یکی از انواع آنها «فرمول‌واره‌های ادب»<sup>۵</sup> می‌باشند. جوامع بشری برای کنترل و قاعده‌مند کردن تعاملات روزمره، ساز و کارهایی ایجاد کرده‌اند که به آنها «قوانین ادب»<sup>۶</sup> گفته می‌شود. تحقق ادب از طریق ابزارهای زبانی (مانند واژگان) و غیرزبانی (مانند زبان بدن یا سکوت) میسر می‌گردد. فرمول‌واره‌های ادب، آن دسته از فرمول‌واره‌هایی هستند که به‌عنوان ابزار زبانی، لازمه اعمال ادب در موقعیت‌های مکرر خاص می‌باشند (هلمز<sup>۷</sup>، ۲۰۰۱). نقش این عبارات رایج و تکراری در زندگی روزمره اجتماعی کاملاً آشکار و ضروری است. به‌عنوان مثال به‌کار بردن فرمول‌واره ادب «لطفاً» قبل از تقاضا، بخشی از آیین‌های جامعه و نشانه ادب می‌باشد. فرگوسن<sup>۸</sup> (۱۹۷۶)، نیز فرمول‌واره‌های ادب را برش‌های کوچکی از آیین‌ها می‌داند و از نقش عمده آنها در

مراودات روزمره یاد می‌کند. اهمیت فرمول‌واره‌های ادب زمانی مشخص می‌شود که در ارتباطات اجتماعی روزمره آنها را حذف کنیم. فرمول‌واره‌های ادب عملکرد کلیدی در گفتمان و تعاملات اجتماعی دارند و می‌توانند بازتاب دقیقی از ابعاد زبان‌شناختی، جامعه‌شناختی، فرهنگی و مذهبی یک گونه‌ی زبانی باشند. از این‌رو، بررسی آنها می‌تواند زبان‌شناسان را به درک صحیح‌تر و عمیق‌تری از دانش زبانی گویشوران، نزدیک سازد.

علاوه بر این ایران، سرزمینی است که از تنوع زبانی و فرهنگی چشمگیری برخوردار است. زبان‌های ایرانی با وجود تعلق به یک خانواده زبانی مشترک، بنا به تحولات تاریخی و تغییر شرایط زندگی، در دوره‌های مختلف دچار تحول و دگرگونی گشته‌اند (ارانسکی<sup>۹</sup>، ۱۳۷۸). زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، گنجینه عظیمی از داده‌ها هستند که نمایانگر فرهنگ، آداب و رسوم، اعتقادات و پیشینه تاریخی این مرز و بومند و نابودی آنها موجب از بین رفتن میراث فرهنگی جامعه می‌گردد. در دهه‌های اخیر، گویش‌های ایرانی به‌دلیل همگرایی با زبان فارسی به‌سرعت متحول شده‌اند. از این‌رو، مطالعه و ثبت ویژگی‌های این گویش‌ها، به‌منظور جلوگیری از زوال و انقراض آنها بسیار حائز اهمیت است (شیخ‌سنگ‌تجن و یوسفی، ۱۳۹۶). بر این مبنا، یکی از موضوعات درخور مطالعه، بررسی فرمول‌واره‌های ادب در گویش گیلکی است.

گیلکی، یکی از گویش‌های سواحل جنوبی دریای خزر است که دنباله زبان‌های ایرانی شمال غربی محسوب می‌شود. اشمیت<sup>۱۰</sup> (۱۳۸۳) با ذکر این نکته که گویش گیلکی بین کرانه‌های غربی دریای خزر و رشته‌کوه‌های البرز به‌کار می‌رود، تصریح می‌کند که گیلکی به‌طور اخص گویش شهر رشت است، اما چندین گونه گویش‌های فرعی نظیر لاهیجانی، لنگرودی، ماچیانی و غیره نیز وجود دارند. تاکنون پژوهشگران دسته‌بندی‌های متفاوتی از گویش گیلکی به‌دست داده‌اند، اما به‌طور کلی می‌توان گفت که گویش گیلکی به پنج دسته تقسیم شده است: گیلکی بیه‌پس یا غرب‌گیلان (خمام، انزلی، رضوان‌شهر، شفت، صومعه‌سرا، فومن و...); گیلکی بیه‌پیش یا شرق‌گیلان (لاهیجان، سیاه‌کل، آستانه‌اشرفیه، لشت‌نشا، لنگرود، رودسر، کلاچای و...); گیلکی رشتی در مرکز گیلان (رشت و حومه‌ی

1. formulae
2. A. Wray & M. Perkins
3. pragmatic competence
4. A. Pawley & F. Syder
5. politeness formulae
6. rules of politeness
7. J. Holmes
8. C. Ferguson

رشت کدامند؟ فرمول‌واره‌های بیان مؤدبانه تقاضا، در بافت‌های مختلف اجتماعی- فرهنگی جامعه گیلک‌زبانان، چه کارکردهایی دارند؟

این پژوهش را می‌توان به‌عنوان مقدمه‌ای بر شناسایی رفتار ناشی از ادب بین‌فردی گیلکی‌زبانان در نظر گرفت، که در پیچه‌ای به‌روی کسانی است که به مطالعه فرهنگ‌ها و گویش‌های ایرانی علاقه‌مند هستند.

### پیشینه پژوهش

در مورد فرمول‌واره‌ها و شیوه‌های بیان تقاضا در زبان‌ها و گویش‌های مختلف، مطالعاتی صورت گرفته است که در اینجا به‌اختصار به برخی از آنها پرداخته می‌شود. بلوم-کالکا و اولشتاین<sup>۱۰</sup> (۱۹۸۴) و بلوم-کالکا و همکاران (۱۹۸۹)، راهبردهای میان‌فرهنگی کنش‌گفتاری بیان تقاضا و عذرخواهی را در هشت زبان مختلف (انگلیسی آمریکایی/ بریتانیایی/ استرالیایی، فرانسوی کانادا، آلمانی، دانمارکی، روسی و عبری) مورد تحلیل و بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که اگر چه زبان‌ها در بیان مفاهیم راهبردهای کنش‌های گفتاری، متفاوت عمل می‌کنند، اما می‌توان این راهبردها را جزو همگانی‌های زبانی به‌شمار آورد.

در پژوهش دیگری، کاوه (۱۳۹۰)، به مطالعه و بررسی زبان فرمول‌واره‌ای در زبان فارسی در قالب یک چارچوب توصیفی پرداخته است. نتایج حاصل از پژوهش وی نشان داد که فرمول‌واره‌های فارسی برای بیان مفاهیم گوناگونی از قبیل انتقاد، سرزنش، قضاوت، برجسته‌سازی موضوعی خاص، صحت و سقم گزاره‌ای خاص و غیره به‌کار می‌روند. یافته‌های پژوهش او از کاربرد رسمی و غیررسمی این فرمول‌واره‌ها در متون نوشتاری و گفتاری حکایت دارد.

وفایی (۱۳۹۱) در پژوهش خود به معرفی، بررسی و تحلیل عبارات پیش‌ساخته و فرمول‌واره‌ها در زبان فارسی و طبقه‌بندی آنها مطابق کاربردهای متنوع آنها در مراودات اجتماعی پرداخته است. او در این پژوهش چهار منظر صورت، کاربرد، معنا و منشأ پیدایش فرمول‌واره‌ها را به‌عنوان اصلی‌ترین مشخصه‌ها جهت طبقه‌بندی خود ذکر می‌کند. الگوی مورد نظر او در این طبقه‌بندی، الگوی مورد استفاده توسط ری و پرکینس (۲۰۰۰) است که در آن عبارات پیش‌ساخته بر مبنای دو مؤلفه تأثیر متقابل اجتماعی و محدودیت‌های حافظه طبقه‌بندی شده‌اند.

آن؛ گالشی (کوه‌پایه‌های جنوب شرقی گیلان) و گیلکی رودبار در جنوب گیلان (رستم آباد، رودبار، منجیل، لوشان و...) که در مواردی با تاتی نیز آمیخته است (سبزی‌پور و نیک‌گهر، ۱۳۹۳). در پژوهش حاضر، گویش گیلکی رشت مورد مطالعه قرار گرفته است.

از آن‌جا که پرداختن به طیف وسیع فرمول‌واره‌های ابراز ادب، در چارچوب یک مقاله نمی‌گنجد، پژوهش حاضر به مطالعه و توصیف یکی از انواع آنها با عنوان فرمول‌واره‌های بیان مؤدبانه تقاضا پرداخته است. کنش‌گفتاری تقاضا، کنش اجتماعی اجتناب‌ناپذیری در ارتباطات روزانه ما است. تقاضا به‌منزله کنش غیربیانی<sup>۱</sup> به مقوله کنش ترغیبی<sup>۲</sup> سرل<sup>۳</sup> (۱۹۷۶) تعلق دارد. هدف نیروی غیربیانی تقاضا، ترغیب شنونده و قرار دادن او در حالت تحمیل و اجبار به‌منظور انجام کاری برای گوینده است و از آن‌جا که گوینده خواسته خود را بر شنونده تحمیل می‌کند، می‌تواند وجهه<sup>۴</sup> مخاطب را به خطر بیندازد. براین اساس، کنش گفتاری تقاضا در نظریه ادب براون و لوینسون<sup>۵</sup> (۱۹۸۷)، کنش تهدیدگر وجهه<sup>۶</sup> به‌شمار می‌رود. طرح تقاضای مناسب که از شرایط کارایی<sup>۷</sup> برخوردار باشد، به‌منظور کاهش ماهیت تحمیل‌کننده و تهدیدگر وجهه تقاضا، بخش مهمی از توانش کاربردشناختی گویشوران به‌شمار می‌آید که بر کارآمدی تعاملات روزمره آنها نیز تأثیر می‌گذارد. از این رو، پژوهش حاضر سعی بر آن دارد تا ساختار، شرایط و بافت کاربرد برخی از رایج‌ترین فرمول‌واره‌های بیان تقاضا در گویش گیلکی رشت را با تأکید بر نقش نشانگرهای ادب<sup>۸</sup> و مهیاکننده‌ها<sup>۹</sup> مورد بررسی قرار دهد. پرسش‌های محوری این مقاله از این قرارند: رایج‌ترین نشانگرها و مهیاکننده‌ها در ساختار فرمول‌واره‌های بیان مؤدبانه تقاضا و قواعد و الگوهای حاکم بر ساختار و کاربرد آنها در گویش گیلکی

1. illocutionary act

2. directive

3. J.R. Searle

۴. وجهه خود انگاره عمومی است که هر عضو جامعه برای خود قائل است. در نظریه ادب دو وجهه تعریف شده است: «وجهه مثبت» و «وجهه منفی». وجهه مثبت به میل فرد به مورد احترام و تأیید بودن و دوست داشته شدن از سوی جامعه و وجهه منفی به میل فرد به آزادی عمل در اجتماع و بی‌بازی از تحمیل اطلاق می‌گردد (براون و لوینسون، ۱۹۸۷).

5. P. Brown & S. Levinson

6. face threatening act

7. felicity

8. politeness markers

9. mitigatorors

کنش گفتاری که از پی می‌آید، جلب می‌کند. هشیارکننده‌ها شامل اصطلاحات خطاب<sup>۷</sup> (مانند اسامی، عناوین افتخاری، عبارات محبت‌آمیز، عبارات سرزنش‌آمیز و غیره) و عبارات عذرخواهی<sup>۸</sup> می‌باشند. اصطلاحات خطاب، شاخص رابطه اجتماعی بین گوینده و شنونده (بر اساس فاصله موقعیتی و اجتماعی) و به‌نوعی سرمایه عاطفی به‌شمار می‌روند (شیخ‌سنگ‌تجن و یوسفی، ۱۳۹۶). عناصر پشتیبان نیز ممکن است پیش از کنش اصلی (عناصر پشتیبان پیشین)<sup>۹</sup> و یا پس از آن (عناصر پشتیبان پسین)<sup>۱۰</sup> قرار گیرند. براساس نظریه بلوم کالکا و همکاران (۱۹۸۹)، ساختار کلی زنجیره درخواست به شکل زیر خواهد بود:

(عبارات عذرخواهی) + اصطلاحات خطاب + (عناصر پشتیبان) + هشیارکننده‌ها + کنش اصلی (عناصر پشتیبان)

### نظریه بلوم-کالکا و همکاران

گوینده می‌تواند بر مبنای عوامل محیطی از قبیل رابطه بین مخاطبان و میزان تحمیل درخواست، راهبردهای متفاوتی را در درجات مشخصی از مستقیم بودن انتخاب نماید. بلوم-کالکا، هاوس و کسپر<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۹: ۱۸)، در پروژه بین‌فرهنگی تحقق کنش گفتاری، سه سطح از مستقیم بودن را مشخص می‌کنند که به‌نوبه خود به نه زیرسطح متمایز به نام «انواع راهبرد» تقسیم می‌شوند. در این طبقه‌بندی، راهبرد اول، مستقیم‌ترین نوع درخواست و راهبرد نهم غیرمستقیم‌ترین نوع آن تلقی می‌شود. انواع راهبردها، با در نظر گرفتن میزان تجلی نیروی غیربیانی در پاره‌گفتار، به سه سطح تقسیم می‌گردند که در ادامه به اختصار آورده شده‌اند:

۱) سطح اول، مستقیم است و از راهبردهای ۱ تا ۵ تشکیل شده‌است. در این سطح، کنش غیربیانی پاره‌گفتار به‌صورت امری (برای مثال، «آشپزخونه رو تمیز کن.»)، استفاده از افعال کنشی صریح (برای مثال، «ازتون می‌خوام خودروتونو جابجا کنید.»)، تعدیل‌گر کنشی (برای مثال، «باید ازتون بخوام که همین الان آشپزخونه رو تمیز کنید.»)، عبارات اجباری (برای مثال، «خانم، شما باید خودروتون رو جابه‌جا کنید.») و عبارات خواستنی (برای مثال، «می‌خوام جزوه‌تونو یه مدت کوتاهی قرض بگیرم.») تجلی می‌یابد.

صابری (۲۰۱۲)، در پژوهشی کیفی، به بررسی واژگانی و جامعه‌شناختی پرکاربردترین فرمول‌واره‌های ابراز ادب در فارسی پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش، حاکی از پویایی مرادفات اجتماعی مبتنی بر رعایت آداب و رسوم اسلامی در میان ایرانیان و حاکم بودن ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی در جامعه ایران است.

علی‌رغم گستردگی و تنوع در نحوه استفاده از فرمول‌واره‌ها در بین دو جنس زن و مرد، گروه‌های سنی و فرهنگ‌های مختلف، تعداد پژوهش‌های انجام‌شده، در مورد فرمول‌واره‌ها اندک است و بنا بر مطالعات به‌عمل‌آمده، تا کنون در مورد گویش گیلکی رشت، پژوهشی انجام نشده است. این مقاله گامی در این راستا با هدف مطالعه بخشی از فرمول‌واره‌های بیان تقاضا از نظر شرایط استفاده، شکل مرسوم، گونه‌های مختلف، الگوهای پاسخ‌دهی، و قوانین ساختار گفتمان آنها، در گیلکی رشت می‌باشد.

### چارچوب نظری

در پژوهش حاضر، به‌منظور دسته‌بندی عناصر به‌کار رفته در ساختار فرمول‌واره‌های بیان تقاضا، نظام طبقه‌بندی بلوم-کالکا و همکاران (۱۹۸۹) مبنای قرار گرفته است. در این نظام طبقه‌بندی، ساختار کلی فرمول‌واره‌های بیان تقاضا در قالب زنجیره‌ای از عناصر اصلی و عناصر حاشیه‌ای<sup>۱</sup>، بیان می‌شود. بر اساس طرح رمزگذاری پروژه بین‌فرهنگی تحقق کنش گفتاری<sup>۲</sup> بلوم-کالکا و همکاران (۱۹۸۹)، هر درخواستی متشکل از کنش اصلی<sup>۳</sup>، خود درخواست و چند عنصر حاشیه‌ای است. کنش اصلی، پاره‌گفتار اصلی و هسته زنجیره درخواست است که می‌تواند به‌تنهایی درخواست را مطرح نماید. اگر چه درخواست‌ها معمولاً شامل یک کنش اصلی هستند، گاهی اوقات ممکن است دارای چندین کنش اصلی نیز باشند. ممکن است قبل یا بعد از کنش اصلی درخواست، عناصر حاشیه‌ای بیابند که نقش آنها تعدیل نیروی غیربیانی<sup>۴</sup> کنش اصلی درخواست می‌باشد. این عناصر، شامل هشیارکننده‌ها<sup>۵</sup> و عناصر پشتیبان<sup>۶</sup> هستند. هشیارکننده‌ها به عنوان عوامل جلب‌کننده توجه و تلطیف نیروی درخواست، معمولاً قبل از کنش اصلی می‌آیند و توجه شنونده را به سمت

7. vocatives

8. apology expressions

9. pre-posed supportive moves

10. post-posed supportive moves

11. J. House & G. Kasper

1. peripheral modifications

2. Cross-Cultural Speech Act Realization Project

3. head act

4. illocutionary force

5. alerters

6. supportive moves

بندی؟) مؤدبانه تر هستند، زیرا گوینده به شنونده برای پذیرش یا رد درخواست، آزادی عمل می‌دهد.

### تعدیل درونی<sup>۳</sup> و تعدیل بیرونی<sup>۴</sup> درخواست

به‌منظور کاهش نیروی غیربیانی درخواست، علاوه بر انتخاب نوع راهبرد درخواست به‌لحاظ مستقیم بودن، می‌توان کنش اصلی را به صورت درونی (درون کنش اصلی)، بیرونی (در بافت بلافصل کنش اصلی) و یا هر دو صورت تعدیل نمود (ترازبورگ<sup>۵</sup>، ۱۹۹۵). تعدیل درونی با به‌کارگیری «تلطیف‌کننده‌های نحوی و واژگانی»<sup>۶</sup> به‌وقوع می‌پیوندد (فارچ<sup>۷</sup> و کسپر، ۱۹۸۹). از ابزار تلطیف‌کننده نحوی می‌توان به‌ساختار پرسشی (مانند، می‌تونی/ می‌شه...؟) و عبارات شرطی (مانند، اگه زحمتی نیست...) به‌جای ساختار امری صرف اشاره نمود و از انواع تلطیف‌کننده‌های واژگانی می‌توان نشانگرهای ادب (مانند، لطفاً...)، کم‌انگاری‌ها<sup>۸</sup> (مانند، یه لحظه...) و نرم‌گفتاری‌ها<sup>۹</sup> (مانند، فقط ...) را نام برد. تعدیل‌های بیرونی نیز معمولاً با استفاده از عناصر پشتیبان نظیر مهیاکننده‌ها (مانند، می‌شه یه لطفی کنید ...) و خلع‌سلاح‌کننده‌ها<sup>۱۰</sup> (مانند، نمی‌خواستم بهت زحمت بدم اما ...) صورت می‌گیرند که می‌توان آن‌ها را قبل یا بعد از کنش اصلی نیز به‌کار برد (ترازبورگ، ۱۹۹۵). در برخی زبان‌ها (مانند فارسی) تعدیل بیرونی و در برخی دیگر (مانند هلندی) تعدیل درونی ترجیح داده می‌شود (سلمانی ندوشن و علامی، ۲۰۱۱).

### نشانگرهای ادب

به عقیده‌ی ترازبورگ (۱۹۹۵)، نشانگرها ابزارهای زبان‌شناختی هستند که از طریق آنها می‌توان تأثیر راهبرد درخواست را بر شنونده تغییر داد و نیروی غیربیانی درخواست را تعدیل نمود. آیزمر<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۶)، نشانگرهای ادب را زیرمجموعه‌ای از «ابزارهای تلطیف‌واژگانی»<sup>۱۲</sup> می‌داند که کنش‌های گفتاری را تعدیل می‌نمایند. نشانگرهای ادب در مورد افعال امری و یا افعال پرسشی (دارای کنش

۲) سطح دوم غیرمستقیم متعارف است که به راهبردهای ۶ و ۷ اختصاص دارد و گوینده تقاضای خود را در قالب پرسش (برای مثال، «می‌تونم/ می‌شه جزوه‌ت رو قرض بگیرم؟») یا پیشنهاد (برای مثال، «چطوره آشپزخونه رو تمیز کنیم؟») مطرح می‌کند و انتظار دارد تا مخاطب پرسش او را یک درخواست تلقی کند.

۳) سطح سوم غیرمستقیم نامتعارف است که متشکل از راهبردهای ۸ و ۹ (اشارات قوی و خفیف) می‌باشد و گوینده با ارجاع جزئی به عناصر مورد نیاز درخواست (برای مثال، «الان داری میری خونه؟») به منظور این که گوینده توسط شنونده به‌خانه رسانده شود) و یا هیچ ارجاعی به درخواست و با تکیه بر بافت موقعیت (برای مثال، «سرت شلوغ بوده، نه؟») به‌منظور تمیز کردن آشپزخانه توسط شنونده، درخواست را مطرح می‌کند.

براساس این طبقه‌بندی، همه‌ی زبان‌های مورد مطالعه (به‌استثنای عبری)، تمایل بیشتری به استفاده از راهبردهای غیرمستقیم متعارف داشتند.

بر اساس نظریه‌ی ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷)، درخواست علاوه بر این که تهدیدگر وجهه‌ی شنونده به‌شمار می‌رود، می‌تواند وجهه‌ی گوینده را نیز تهدید کند؛ زیرا شنونده ممکن است تصمیم بگیرد که درخواست را رد نماید. بنابراین، گوینده برای حفظ وجهه و دستیابی به پیروی شنونده از درخواست، می‌تواند بین راهبردهای مستقیم و راهبردهای کاهش تأثیر کنش‌های تهدیدگر وجهه، دست به انتخاب بزند و در صورت لزوم با ابزارهای تعدیل‌کننده از تحمیل درخواست بکاهد. از همین‌رو راهبردهایی که به تأیید و تقویت وجهه‌ی مثبت مخاطب منجر شود، «ادب مثبت/ ایجابی»<sup>۱</sup> و راهبردهایی نظیر استفاده از تلطیف‌کننده‌ها و بیان رسمی به جای استفاده از بیان صریح که به‌منظور اجتناب از نقض آزادی عمل مخاطب و تحمیل به‌وی صورت می‌گیرد نیز، «ادب منفی/ سلبی»<sup>۲</sup> نامیده می‌شوند. به‌اعتقاد براون و لوینسون (۱۹۸۷)، ادب و غیرمستقیم‌گویی با هم رابطه‌ی مستقیم دارند. به همین دلیل، در زبان‌هایی که در پروژه بلوم-کالکا و همکاران (۱۹۸۹) مورد مطالعه قرار گرفتند، حالت‌های امری (مانند، در را ببند)، شیوه‌های ارجحی برای مطرح کردن درخواست نمی‌باشند. درمقابل، درخواست‌های غیرمستقیم (مانند، می‌تونی/ می‌شه در رو

3. internal modification  
4. external modification  
5. A. Trosborg  
6. syntactic and lexical downgraders  
7. C. Faerch  
8. understatements  
9. downtoners  
10. disarmers  
11. K. Aijmer  
12. lexical mitigating devices

1. positive politeness  
2. negative politeness

رشت، با استفاده از رویکرد کیفی و روش قوم‌نگاری، بافت اجتماعی سه روستای بکر و کمتر توسعه‌یافته مورد بررسی قرار گرفت. در روش قوم‌نگاری، پژوهشگر با گذراندن وقت خود در میدان پژوهش، اعتقادات، فرهنگ و شیوه زندگی افراد را توصیف می‌کند (مک نیل و چاپمن، ۲۰۰۵).

با توجه به معایب و مزایای شیوه‌های مختلف گردآوری داده‌ها، رز<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) تأکید می‌کند که هر کدام از روش‌های گردآوری داده‌ها از جمله روش‌های داده‌های طبیعی، نقاط ضعفی دارند. ساویل-تروئیکه<sup>۳</sup> (۱۹۸۹) نیز معتقد است هیچ روش واحدی که بتوان گفت بر بقیه روش‌های گردآوری داده‌ها رجحان دارد، یافت نمی‌شود. از همین رو پژوهشگران عموماً ترجیح می‌دهند از روش سه‌سویه‌سازی<sup>۴</sup> برای کمینه کردن سوگیری محقق و افزایش اعتبار داده‌ها استفاده کنند که در آن بیشتر از دو روش گردآوری داده‌ها در یک مطالعه واحد مورد استفاده قرار می‌گیرد تا محدودیت‌های یک روش به‌تنهایی از میان برداشته شود. بر این مبنای داده‌های زبانی در پژوهش حاضر، طی یک دوره زمانی شش‌ماهه (نیمه اول سال ۱۳۹۷) و با بهره‌گیری از منابع چندگانه، گردآوری شد. این منابع عبارتند از: الف) داده‌های گفتار طبیعی، ب) شمش زبانی و ج) مصاحبه با گویشوران.

محققین قوم‌نگاری و زبان‌شناسی اجتماعی مکرراً در پی گردآوری داده‌هایی هستند که به‌صورت طبیعی تولید شده‌اند یا در مراودات روزمره به کار می‌روند (ولفسون<sup>۵</sup>، ۱۹۸۹). روش ایده‌آل برای مطالعه کنش‌های گفتاری، ضبط مکالمات در ارتباطات طبیعی است (هلمز، ۲۰۰۱ و گولدینگ<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵). به‌علاوه، با توجه به آن که یکی از پژوهشگران، گویشور و مشاهده‌گر فعال گویش گیلکی رشت است، امکان مشاهده و مطالعه پنهان گویش گویشوران بومی منطقه برای دستیابی به داده‌های بکرتر زبانی و جلوگیری از تحمیل شرایط مصنوعی در متن مکالمات میسر شد. بر همین مبنای شمش زبانی نیز به‌عنوان یکی از منابع قابل اطمینان در این پژوهش، مورد استفاده قرار گرفت. واضح است که استفاده از شمش زبانی نمی‌توانست صرفاً محدود به شمش زبانی محقق بشود. بنابراین در راستای پیشنهاد محققین در مورد محک زدن برداشت دیگران (نگاه کنید به ساویل-تروئیکه، ۱۹۸۹: ۱۱۹)، از شمش

ترغیبی)، بسیار به کار رفته و می‌تواند یک دستور صرف را با تعدیل پاره‌گفتار به یک درخواست مؤدبانه تبدیل نمایند. هاوس (۱۹۸۹) از نشانگرهای ادب به عنوان نشانگرهای درخواست و فارچ و کسپر (۱۹۸۹) از آن‌ها با عنوان ابزارهای تلطف یاد می‌کنند.

در زبان فارسی، گوینده با به‌کارگیری نشانگرهایی از قبیل «لطفاً»، یا «بی‌زحمت»، احترام خود را به‌شونده نشان می‌دهد و یک دستور صرف را به درخواستی مؤدبانه و تعدیل‌شده تبدیل می‌کند. معمولاً پیش از نشانگرهای ادب، هشیارکننده‌ها می‌آیند.

### مهیاکننده‌ها

مهیاکننده‌ها، آن دسته از عناصر پشتیبان هستند، که برای کاهش ماهیت تهدیدگر وجهه تقاضا، خصوصاً زمانی که انجام آن دشوار است، به کار می‌روند. مهیاکننده‌ها را می‌توان به‌عنوان پیش‌درخواست نیز توصیف نمود، زیرا کارکرد اصلی آنها توجیه پذیرش درخواستی است که بعد از آن‌ها مطرح می‌شود (لوینسون، ۱۹۸۳). به‌عبارت دیگر، استفاده از مهیاکننده‌ها، شونده را برای پذیرش درخواست، آماده می‌کند.

به‌اعتقاد ترازبورگ (۱۹۹۵)، درخواست می‌تواند به یکی از شیوه‌های زیر مطرح شود:

۱. گوینده، فضای گفتگو را در جهت طرح تقاضای خود، هدایت می‌کند و به بیان دیگر به «آماده‌سازی محتوا» می‌پردازد.
۲. گوینده، در فرایندی با عنوان «آماده‌سازی کنش گفتاری» مخاطب را برای طرح کنش گفتاری تقاضا، آماده می‌کند (مثال: برنامه‌ای هست که برای انجام اون، به هم‌فکری شما نیاز دارم).
۳. گوینده، در دسترس بودن شونده یا «امکان دسترسی» را مورد بررسی قرار می‌دهد (مثال: میشه چن لحظه وقت شما رو بگیرم؟).
۴. گوینده، پیش از طرح درخواست اصلی، مخاطب را در موقعیت «پیش‌تعهد» یعنی پایبندی به اجابت درخواست، قرار می‌دهد (مثال: میشه لطفی در حق من بکنید؟).

### روش‌شناسی تحقیق

به‌منظور مطالعه عمیق ابعاد پیچیده و پوشیده‌گویش گیلکی

1. P. McNeill & S. Chapman  
2. K. Rose  
3. M. Saville-Troike  
4. triangulation  
5. N. Wolfson  
6. C. Golding

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

نام روستا	جنسیت		سن افراد (سال)		
	آقا	خانم	۵۰-۴۰	۶۰-۵۰	بالای ۶۰
قاضیان-سنگر	۸	۷	۳	۴	۸
جیرسرباقرخاله-خمام	۶	۶	۲	۳	۷
طش-مرکزی	۱۲	۱۷	۸	۱۰	۱۱

### یافته‌های پژوهش

با بررسی متن مصاحبه‌های مکتوب‌شده، متن داده‌های کسب‌شده از مشاهده مستقیم و داده‌های مبتنی بر شمّ زبانی، طیفی از فرمول‌واره‌ها، استخراج شد. با توجه به کوتاه بودن مجال این مقاله، از بین فرمول‌واره‌های شناسایی‌شده، به توصیف فرمول‌واره‌هایی پرداخته شد که در مکالمات مردم رایج‌ترند. در ساختار این فرمول‌واره‌ها، جایگاه و نحوه استفاده از نشانگرها و مهیاکننده‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

### نشانگرهای ادب گیلکی

در گویش گیلکی رشت، استفاده از نشانگرهای ادب فارسی گفتاری معیار نظیر «بی زحمت» با اندکی تغییر در نحوه تلفظ، بسیار رایج است؛ علاوه بر آن، نشانگرهای ادب گیلکی مانند مثال‌های (۱) و (۳) نیز به‌طور گسترده به‌کار می‌روند تا این‌که یک جمله دستوری را به درخواستی مؤدبانه و تعدیل‌شده تبدیل نمایند. تعدادی از این نشانگرها در ذیل آمده‌اند:

- 1) tibəla / dərd mi sər (درد/ بلات به سرم)
- 2) bi zæ:mət (بی زحمت)
- 3) ti dəse re bimirəm (برای دست بمیرم)
- 4) xahıf kunəəm (خواهش می‌کنم)
- 5) tə- ræ bu xuda (تو رو خدا)

بر اساس بررسی‌های صورت‌گرفته بر روی داده‌های گردآوری‌شده، نشانگرهای ادب در گیلکی رشت معمولاً پیش از جمله امری/ پرسشی می‌آیند. اما اغلب آنها را می‌توان بعد از جمله امری/ پرسشی هم بیان نمود. ویژگی مشترک این نشانگرها، کاربرد آنها برای تقاضا، کمک و خدمات است. علاوه بر این، از هشیارکننده‌ها نیز به‌عنوان عناصری برای جلب توجه شنونده به کنش گفتاری استفاده می‌شود که معمولاً در قالب عبارات عذرخواهی و اصطلاحات خطاب ظاهر می‌شوند. بنابراین، تقاضای تلطیف‌شده مستقیم مطابق دسته‌بندی بلوم-کالکا و همکاران (۱۹۸۹) می‌تواند یکی از دو ساختار زیر را داشته باشد:

زبانی دیگر گویشوران گیلکی نیز برای محک زدن داده‌های به‌دست آمده استفاده شد تا شکل‌های معیار، هر چه بیشتر تثبیت شوند.

به‌منظور گردآوری داده‌ها، از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختار یافته، مبتنی بر دو پرسش محوری ذیل، نیز، استفاده شد. پرسش اول: آداب تقاضا کردن در گویش گیلکی رشت چگونه است؟ پرسش دوم: این آداب و رسوم بیانگر چه مشخصه‌هایی از فرهنگ مردم منطقه است؟ سایر پرسش‌ها، حول این دو پرسش محوری مطرح شد. مدت زمان مصاحبه با هر گویشور بین نیم تا یک ساعت به‌طول انجامید. مشارکت‌کنندگان پژوهش، ۵۶ نفر از گویشوران میانسال و مسن بومی ساکن سه روستای بکر و کمتر توسعه‌یافته از توابع شهرستان رشت (قاضیان از توابع بخش سنگر، جیرسرباقرخاله از توابع بخش خمام و طش از توابع بخش مرکزی) بودند.

در گزینش مصاحبه‌شونده‌ها از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخابی<sup>۱</sup>، استفاده شد. در راستای به‌کارگیری این روش، نفر اول، به‌صورت هدفمند، از بین جامعه آماری انتخاب شد به‌گونه‌ای که در پایش‌های میدانی اولیه، واجد «غنی‌ترین اطلاعات»<sup>۲</sup> بود. سپس این فرد، دو نفر از مصاحبه‌شونده‌های بعدی را که به‌نظر او در زمینه موضوع پژوهش از اطلاعات غنی‌تری برخوردار بودند، معرفی نمود. سپس با توجه به امکان دسترسی بهتر به گزینه‌های معرفی‌شده، یکی از آنها برای مصاحبه انتخاب شد. این روش تا زمان اشباع اطلاعاتی ادامه پیدا کرد. در این مرحله، پژوهشگران متوجه شدند داده‌های اخذ‌شده، تکرار داده‌های سایر گویشوران است. با این حال برای بالابردن میزان روایی پژوهش، آزمون اشباع اطلاعاتی در مورد مصاحبه‌شوندگان بعدی به انجام رسید. با توجه به آن‌که این داده‌ها هیچ اطلاعات جدیدی ارائه نکردند، گردآوری داده‌ها با پایان مصاحبه با نفر پنجاه و ششم متوقف شد. جدول ۱، برخی از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی این افراد را نشان می‌دهد.

#### 1. Exponential Discriminative Snowball Sampling

۲. گویشوران واجد غنی‌ترین اطلاعات، افراد سالخورده و بی‌سوادی هستند که در همان منطقه‌ی مورد مطالعه به‌دنیا آمده، کمتر به اطراف مهاجرت نموده و تلفظ واضح و بیان روانی داشته باشند. برای دستیابی به اطلاعات ژرف‌تر می‌توان درصدی از گویشوران را از میان افراد تحصیل‌کرده برگزید (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر، این معیارها مورد توجه قرار گرفت.

مانند نشانگر (۱) اغلب در وضعیت غیررسمی به کار می‌رود و می‌تواند قبل یا پس از اصطلاحات خطاب بیاید. ساختار فرمول‌واره:

- 10) +ti dæse re bimirəm (اصطلاحات خطاب) +  
جمله (امری / پرسشی)  
11) +ti dæse re bimirəm (اصطلاحات خطاب) +  
جمله (امری / پرسشی)  
(برای دستت بمیرم)

در گویش گیلکی رشت، نشانگرهای مشابه دیگری نیز وجود دارند که کاربرد آنها مانند این نشانگر است. برخی از آنها نیز به صورت دعا و طلب خیر و سلامتی برای مخاطب، به همراه شبه‌جمله‌هایی مانند //هی به کار برده می‌شوند. مانند:

- 12) ti dʒanæ /dæsə Gurban (قربون جونت/دستت)  
13) ti dæse pəndʒe re bimirəm  
(برای دست و پنجه‌ات بمیرم)  
14) ti dʒane /re bimirəm (برای جونت/ تو بمیرم)  
15) ?ilahi piræ bi (الهی پیر شی)  
16) ?ilahi xe:r bidini (الهی خیر بینی)  
17) ?ilaji sifidbəxt bibi (الهی سفیدبخت شی)  
18) xuda təræ bədəræ (خدا نگهت داره)  
19) ?ilaji ?aGəbət be xe:r bibi  
(الهی عاقبت به خیر شی)

#### نشانگر ادب «xahıf kunəm»

این نشانگر که معادل با «خواهش می‌کنم» در فارسی است، از طریق کاهش میزان تحمیل درخواست، باعث رفتار مشارکت‌آمیز شنونده می‌گردد و می‌تواند تأثیر تلطیف‌کننده را بر درخواست‌های مستقیم داشته باشد. این عبارت که فقط پیش از جملات امری قرار می‌گیرد، رسمی‌تر و مؤدبانه‌تر از نشانگرهای قبل می‌باشد و کاربرد آن در مقایسه با سایر نشانگرهای ادب، محدودتر است. ساختار فرمول‌واره:

- 20) +xahıf kunəm (امری) + (هشیارکننده‌ها)  
(خواهش می‌کنم)

#### نشانگر ادب «tə- ræ bu xuda»

کاربرد این نشانگر در گیلکی زمانی است که گوینده مشتاق یا نیازمند انجام کاری توسط شنونده باشد. از این رو به‌منظور

(a) هشیارکننده‌ها + نشانگر ادب + کنش اصلی

(b) هشیارکننده‌ها + کنش اصلی + نشانگر ادب

در ادامه، تعدادی از نشانگرهای ادب رایج بیان تقاضا در گویش گیلکی رشت، بر اساس طبقه‌بندی بلوم-کالکا و همکاران (۱۹۸۹) ارائه می‌گردند.

#### نشانگر ادب «ti bəla/ dærd mi sər»

این نشانگر، یکی از پرکاربردترین نشانگرهای ادب بیان تقاضا در گویش گیلکی است که به‌منظور پذیرش مخاطب، کل درخواست را تعدیل می‌بخشد. این عبارت اغلب در وضعیت‌های غیررسمی به کار می‌رود و معمولاً بزرگسالان از آن استفاده می‌کنند. این عبارت خطاب به افراد صمیمی و نیز غریبه‌ها به کار می‌رود. ساختار فرمول‌واره:

- 6) +ti bəla/ dærd mi sər (هشیارکننده‌ها)  
جمله (امری / پرسشی)  
(بالات/دردت به سرم)

#### نشانگر ادب «bi zæ:mət»

این نشانگر، معادل «بی‌زحمت» در فارسی است که در فضای درخواست‌ها به‌عنوان قید می‌آید. این عبارت در موقعیت‌های رسمی و غیررسمی و در خطاب به افراد صمیمی و نیز غریبه‌ها به کار می‌رود. هم‌چنین می‌تواند بسط یافته و به جمله (۸) تبدیل شود و به صورت عبارتی شرطی برای عبارت اصلی (جمله امری / پرسشی) عمل کند. این اصطلاح هم‌چنین می‌تواند به صورت مثال (۹)، فقط پیش از جمله امری بیاید. این نشانگر و گونه‌های مختلف آن با تعدیل ماهیت تحمیل‌گر درخواست، احتمال مخالفت مخاطب را کاهش می‌دهند. ساختار فرمول‌واره:

- 7) +bi zæ:mət (هشیارکننده‌ها)  
(بی‌زحمت)  
8) +?ægə zæ:mət nibe+ (هشیارکننده‌ها)  
بند اصلی (امری)  
(اگه زحمت نمیشه)  
9) +?itæ zæ:mət bəkəf+ (هشیارکننده‌ها)  
(یه زحمت بکش)

#### نشانگر ادب «ti dæse re bimirəm»

این نشانگر، به‌عنوان ابزار تلطیف‌کننده، جهت تضمین پیروی مخاطب از درخواست به کار می‌رود. این عبارت، نیز



فرمول‌واره‌های فراوانی برای انجام این کار وجود دارد که در زیر چند نمونه آورده شده است. قابل ذکر است که استفاده از فعل گذشته (داشتم به جای دارم) می‌تواند سطح ادب را افزایش دهد زیرا موجب می‌شود توقع انجام درخواست توسط شنونده تعدیل گردد. ساختار فرمول‌واره:

27) {dæʃtim/ dærəm} ʃimi xədmət + ʔitæ ʔærzi (هشیارکننده‌ها)

(به عرضی داشتم/ دارم خدمتتون)

28) {be: /tænəm} ʔitæ zæ:mət ʃəmərə fædəm + (هشیارکننده‌ها)

(میشه/ می‌تونم به زحمتی بهتون بدم؟)

29) {Gærəz ʔæz muzahimət} + (هشیارکننده‌ها) ʔitæ zæ:mət {dæʃtim /dærəm /dærim} ʃəmərə

(غرض از مزاحمت به زحمتی داشتم/دارم/داریم براتون.)

#### بررسی امکان دسترسی

گوینده باید از زمان مناسب طرح درخواست خود، اطمینان یابد. در غیر این صورت، چنان‌چه تقاضا در زمان مناسبی مطرح نگردد، شنونده ممکن است آن را رد نماید. از این‌رو قبل از طرح درخواست، از مهیاکننده‌ها به‌عنوان عناصر پشتیبان جهت تعدیل بیرونی درخواست استفاده می‌کند. در گیلکی، چندین فرمول‌واره معمول برای این کار وجود دارد. ساختار فرمول‌واره:

30) {be: /tænəm} ʔitæ ʃən læ:zə ʃimi vəxtə bigirəm + (هشیارکننده‌ها)

(میشه چند لحظه وقتتونو بگیرم؟)

31) ʔægə be: xəstīm ʃən læ:zə ʃimi ʔəmræ so:bət bukunəm + (هشیارکننده‌ها)

(اگه بشه می‌خواستم چند لحظه باهاتون صحبت کنم.)

32) ʔægə ʔidzazə {fədid/ bəfərrmahid} ʃən {dəfiGə/læ:ze} ʃimi muzahim bəbəm + (هشیارکننده‌ها)

(اگه اجازه بدید/ بفرمایید چند دقیقه مزاحمتون بشم.)

#### دستیابی به پیش‌تعهد

اساساً گوینده سعی بر آن دارد که از دریافت پاسخ نامطلوب و رد درخواست اجتناب نماید. از این‌رو، یک راهکار مناسب قبل از بیان تقاضا، اطمینان از پیش‌تعهد اجابت شنونده است. در گویش گیلکی، در بیان مؤدبانۀ تقاضا،

ترغیب شنونده، درخواست خود را به‌صورت خواهش و تمنا مطرح می‌نماید. به عبارت دیگر، کنش گفتاری تقاضا بر مبنای میزان اشتیاق و نیاز گوینده، به‌لحاظ نیروی غیربیانی می‌تواند میان دو قطب دستور و تمناً متغیر باشد (ترازبورگ، ۱۹۹۵). گاهی نیز شنونده را به امان، اعتقادات دینی و درگذشتگان سوگند می‌دهند. این نشانگر در موقعیت‌های رسمی و غیررسمی به کار می‌رود. ساختار فرمول‌واره:

جمله (امری) +tə -ræ buxuda+ (هشیارکننده‌ها) 21) (تو رو به خدا)

22) +tə -ræ buGurʔan/ (هشیارکننده‌ها) جمله (امری) bə ʔæbulfəzl/ bi ʔimam husen+ (تو رو به قرآن/ ابوالفضل/ امام حسین)

در ادامه تعدادی نشانگر ادب بیان تقاضا در گویش گیلکی رشت که کاربرد آنها مانند همین نشانگراست، معرفی می‌شوند:

23) tə- ræ be pi:r be pejGəmbər (تو رو به پیر به پیغمبر)

24) tə- ræ bə ʔærvahe xake ti pe:r (تو رو به ارواح خاک بابات)

25) tə- ræ be ti ʔu murde-fo zəndə (تو رو به اون مرده و زنده)

26) tə- ræ be hæ r ki kə pərəstəʃ kuni (تو رو به هر کس که پرستش می‌کنی)

#### مهیاکننده‌ها در گیلکی

درخواست‌های کوچک یا درخواست از افراد صمیمی که گوینده می‌داند خواسته وی را برآورده خواهند کرد، معمولاً نیازمند توجه نمی‌باشد، اما درخواست‌های دشوار یا درخواست از افراد غیرصمیمی باید به خوبی آماده، توجیه و پشتیبانی شود (ترازبورگ، ۱۹۹۵: ۲۱۶). معمولاً به‌منظور کاهش ماهیت تهدیدگر تقاضا با استفاده از مهیاکننده‌ها و عناصر پشتیبان، تعدیل بیرونی صورت می‌گیرد. در اینجا به سه شیوه استفاده از مهیاکننده‌ها در گویش گیلکی می‌پردازیم:

#### آماده‌سازی کنش گفتاری

در این شیوه، گوینده، مخاطب را برای طرح تقاضای خود آماده می‌کند و زمانی که شنونده، تقاضا را می‌شنود، می‌تواند در مورد پذیرش یا رد آن تصمیم بگیرد. در گیلکی،

می‌کند. نتایج مطالعه، نشان‌دهنده الگوهای رفتاری بین‌فردی حاکی از ادب در میان گویشوران گویش گیلکی رشت است. مفاهیم و مضامین مستتر در این فرمول‌واره‌ها بیانگر ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی غالب و رایج در بین این گویشوران است. در این پژوهش، پس از بررسی مضمون و تحلیل محتوای فرمول‌واره‌های ادب به‌کار برده شده در کنش گفتاری تقاضا، مهم‌ترین ارزش‌های اجتماعی مرتبط با این فرمول‌واره‌ها مورد شناسایی و طبقه‌بندی قرار گرفت. این ارزش‌ها عبارت‌اند از:

**الف) نقش جامعه‌پذیری:** جامعه‌پذیری به روندی پویا اطلاق می‌شود که در آن افراد در طول زندگی خود، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود را فرا می‌گیرند (مانوکس و مارموت، ۲۰۰۵: ۲۱۳۰). بیان تقاضا یکی از آداب اجتماعی است که افراد با یاد گرفتن فرمول‌واره‌های مربوط به آن تا حدی به قوانین و قواعد اجتماعی زیستن آشنا می‌شوند و از طریق فراگیری این آداب و قوانین، احساس تعلق به جامعه شکل می‌گیرد. تحلیل محتوای داده‌های جمع‌آوری شده از نقش مهم آشنایی به فرمول‌واره‌های بیان مؤدبانة تقاضا به عنوان عامل مهمی برای پذیرش فرد در جامعه حکایت داشت. در واقع، عدم آشنایی افراد با آداب اجتماعی به‌ویژه کنش رفتاری بیان تقاضا، به تدریج به طرد شدن فرد از جامعه و انزوای او منجر می‌شود. نقش جامعه‌پذیری در مکالمه‌های ذیل، مشهود است:

38) A: ko lebasæ dukunəm?  
B: te-rebimirəm, surxæ dunukun.  
dærehæmsadæ ʔæmi ʔæmræ gidi.  
(الف: کدوم لباسو بپوشم؟  
ب: برات بمیرم، قرمز رو نپوش. در و همسایه خوب  
نمیگن.)

39) A: ʔipʃe ʔaramtər gəb bəzənnim ti bəla mi sər.  
B: ʔəhæn dənəm. ʔəjæ hæmətən ʔaram gəb zənidi.  
(الف: آروم‌تر صحبت کنیم دردت به سرم.  
ب: آره می‌دونم. همه اینجا آروم حرف می‌زنن.)

**ب) نقش ادب در تعاملات اجتماعی:** ادب اجتماعی به رفتار در چارچوب هنجارهای جامعه انسانی اطلاق می‌شود. بر این مبنا، اگر رفتاری در چارچوب این هنجارها و

مهیاکننده‌های رایج بسیاری به‌عنوان پیش‌تعهد مورد استفاده قرار می‌گیرند. ساختار فرمول‌واره:

33) {be:/ʔimkanəʃ ʔisə/ tənəm} + ʔæz ʃuma ʔitæ xahif bukunəm  
(همیشوارکننده‌ها) + (می‌تونم خواهشی ازتون بکنم؟)

34) tæni ʔitæ kari mere bukuni  
(می‌تونم یه کاری برام بکنم؟)

### پاسخ به مهیاکننده‌ها در گیلکی

درست همان‌گونه که بافت کاربرد مهیاکننده‌های بیان تقاضا، حالتی فرمول‌وار داشته و معمول و مرسوم می‌باشد، پاسخ به آنها نیز معمولاً حالتی ثابت و مرسوم دارد. پیروی از یک درخواست معمولاً با پاسخ‌های کلامی و یا غیرکلامی همراه است که می‌تواند در یک یا چند مرحله رخ دهد. پاسخ‌های کلامی معمولاً ثابت و رایج هستند. پاسخ‌های غیرکلامی می‌توانند شامل زبان بدن و یا تعامل فیزیکی شوند. در حالی که پذیرش یک درخواست در گویش گیلکی رشت، به‌صورت مرسوم و متداول صورت می‌گیرد، رد درخواست آن‌چنان حالت مرسوم نداشته و مستلزم برنامه‌ریزی بیشتر است. هنگامی که شنونده، تقاضا را می‌شنود، می‌تواند در مورد پذیرش یا رد آن تصمیم بگیرد. باتوجه به اولویت ادب ایجابی نسبت به ادب سلبی در فرهنگ گیلکی، شنونده معمولاً به‌طور مثبت به مهیاکننده‌ها پاسخ می‌دهد. عبارات زیر یا ترکیبات آنها در گیلکی به‌عنوان پاسخ‌های مناسب به مهیاکننده‌های بیان تقاضا، بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند:

35) xahif kunəm (خواهش می‌کنم)  
36) bəfərmahid (بفرمایید)  
37) ʃimi xədmət ʔisəəm (در خدمتون هستم)

### فرمول‌واره‌های بیان مؤدبانة تقاضا در گویش گیلکی رشت از منظر زبان‌شناسی اجتماعی

در راستای پاسخ به پرسش دوم پژوهش، با به‌کارگیری روش فرگوسن (۱۹۷۶)، شرایط استفاده از فرمول‌واره‌های بیان مؤدبانة تقاضا بر مبنای توجه و شناخت زمینه اجتماعی- فرهنگی آنها مورد بررسی قرار گرفت. روش فرگوسن (۱۹۷۶) مشخص می‌کند که چه کسی، چه چیزی را، به چه کسی، تحت چه شرایطی و با چه هدفی بیان

**(د) تواضع و بزرگ‌منشی:** یکی از پیام‌های ضمنی نهفته در کنش گفتاری بیان تقاضا در میان گویشوران گیلکی رشت، توجه به مفهوم تواضع و فروتنی در مکالمات بود. مردم منطقه خود را ملزم می‌دانند که حتی در مقابل افراد کم‌سن‌تر و افرادی که متعلق به طبقه اجتماعی پایین‌تری هستند، تقاضای خود را متواضعانه بیان کنند. در فرهنگ مردم، این رفتار نشانه‌ای از بزرگ‌منشی است. متن گفتگوهای زیر، این ویژگی را به خوبی نشان می‌دهد:

44) A: tə-ræ bu-xuda væ:lid mən hisab bukunəm.

B: ?extijar dəridi pile ?aGa, ?əmi vəzifeje.

(الف: تو رو خدا اجازه بدید من حساب کنم.)

ب: اختیار دارید آقا بزرگ، وظیفه ماست.)

45) A: bi-zæ:mət ?adrəs fædid ?u ?əmanətijə ?imi xədmət ?use: kunəm.

B: be zæ:mət dəkæfid, xudəm ?imi xədmət fəresəm.

(الف: بی‌زحمت آدرس بدید اون امانتی رو خدمتون بفرستم.)

ب: به زحمت می‌افتین، خودم خدمت می‌رسم.)

**(ه) روحیه تعاون و مشارکت:** تعاون و همکاری در کلیه جنبه‌های زندگی گویشوران گیلکی رشت نمود دارد و آثار آن را می‌توان در متن مکالمات روزمره و تعاملات زبانی مردم مشاهده کرد. واکاوی متن گفتگوهای انجام‌شده با گویشوران این منطقه، از کثرت فرمول‌واره‌های مرتبط با بیان تقاضای جمعی و مشارکتی حکایت داشت. این امر نشان دهنده روحیه مشارکت و تعاون در بین مردان و زنان برای انجام فعالیت‌های روزمره است. این روحیه مشارکتی در متن‌های زیر، نمود یافته است:

46) A: ?ægə zæ:mət nibe, ?itæ Gərar bənid bi?im ?une vərđə/ ?əjadət.

B: xahif kunam. hətmən.

(الف: اگه زحمت نمی‌شه، هماهنگ کنین بریم

پیشش/عیادتش.

ب: خواهش می‌کنم. حتما.)

47) A: ti dʒane re bimirəm, ?æ muʃkilə kəs kəse ?əmrə bini?inid həl bukunid.

B: ba?əd xəldʒən, ?im?əb ?əm dʒan mərde xanə həmətan ni?inim həlle fəslə kunim.

ارزش‌های فرهنگی تعریف شود، مبادی آداب خواننده می‌شود (سلمانی ندوشن، ۲۰۱۲). در بین گویشوران گیلکی رشت، رعایت قواعد و آداب بیان تقاضا مبین احترام به آداب و رسوم محلی منطقه و نشان‌دهنده رعایت ملاحظات اخلاقی است. رعایت آداب معاشرت، چارچوبی برای حفظ حرمت افراد قلمداد می‌شود و رعایت آداب بیان تقاضا می‌تواند به میزان زیادی از بروز مشکل در روابط افراد جلوگیری کند. با توجه به این امر، توجه به استفاده از تعدیل‌کننده‌ها و تلطیف‌کننده‌ها در بیان تقاضا و رعایت نحوه به‌کار بردن آنها در تعاملات اجتماعی، نشانه بلوغ اجتماعی افراد است. متن مکالمه‌های ذیل، حاکی از رعایت ادب در تعاملات اجتماعی است:

40) A: bi zæ:mət rajə bazə kunid.

B: bə?fə?im, bəfərməfid

(الف: بی‌زحمت راه رو باز کنید.)

ب: چشم، بفرمایید.)

41) A: ti dʒanə Gurban, ?u tijanə bufor

B: mi ?fumanə sər.

(الف: قریون جونت، اون قابلمه رو بشور.)

ب: به‌رویی دیده.)

**(ج) اهمیت رعایت حقوق دیگران:** تحلیل محتوای متن گفتگوهای انجام‌گرفته و فرمول‌واره‌های ثبت‌شده، حاکی از آن بود که مردم معتقدند مراعات حقوق دیگران در تعاملات اجتماعی، بر ارزش و اعتبار طرفین گفتگو می‌افزاید و سلامت جامعه را تضمین می‌کند. در متن مکالمه‌های ذیل، اهمیت رعایت حقوق دیگران، کاملاً آشکار است:

42) A: ?æ xənəm Gəbl-əz ?uma bæmo. tə-ræ bu-xuda ?iptʃe be:sid.

B: xab, bəfə:məstəm. xəjle xob.

(الف: این خانم قبل از شما اومدن. تو رو خدا یه ذره صبر کنید.)

ب: بله، متوجه شدم. بسیار خب.)

43) A: tə-ræ be ti ?u murde-fio zəndə, və:lən ?æ zəke həGGə buxurid.

B: pənah bər xuda, mi sə:jə kunəm.

(الف: تورو به اون مرده و زنده‌ات، نذار حق این بچه رو بخورن.)

ب: توکل به خدا، تلاشمو می‌کنم.)

الف: برای جونت بمیرم، این مشکلو بشینید با همدیگه حل کنید.

ب: باشه خاله جان، امشب خونه شوهرعمه همگی می‌شینیم حل و فصلش می‌کنیم.)

### بحث و نتیجه‌گیری

گویشوران گویش گیلکی رشت مانند گویشوران تمام زبان‌ها برای برقراری ارتباط و گفت‌وگو در روابط بین‌فردی، از فرمول‌واره‌های ادب بهره می‌گیرند. در جامعه سنتی گیلان که گویشوران آن، باورهای مذهبی و قومی مشترکی دارند، بسیاری از ارزش‌ها سبب غنا و تقویت گنجینه زبانی شده و در واژگان و سازه‌های زبانی مانند فرمول‌واره‌های ادب نمود یافته‌اند. در راستای پاسخ به پرسش اول پژوهش، یافته‌ها حاکی از وجود طیف گسترده‌ای از نشانگرهای ادب و مهیاکننده‌ها در فرمول‌واره‌های بیان مؤدبانه تقاضا در گویش گیلکی رشت بود که با توجه به محدودیت مجال مقاله، ساختار زنجیره‌رایج‌ترین این فرمول‌واره‌ها بر مبنای دسته‌بندی بلوم-کالکا و همکاران (۱۹۸۹) ارائه گردید.

نتایج پژوهش نشان داد که در گیلکی برای درخواست‌های کوچک یا تقاضا از افراد صمیمی از راهبرد مستقیم استفاده می‌شود. این نوع تقاضا در گیلکی اصولاً به صورت جملات امری ساده مطرح می‌شود و به منظور کاهش ماهیت تهدیدگر وجهه آن، با ابزارهای تلطیف‌کننده واژگانی نظیر نشانگرهای ادب تعدیل (درونی) می‌گردد. از سوی دیگر گویشوران برای درخواست‌های دشوار معمولاً از راهبردهای غیرمستقیم متعارف بهره می‌گیرند. گویشوران، درخواست خود را با استفاده از عناصر پشتیبان بیرونی مانند مهیاکننده‌ها تعدیل و سپس مطرح می‌نمایند. به منظور افزایش سطح ادب، این فرمول‌واره‌ها می‌توانند قبل یا پس از نشانگرهای ادب بیایند. پاسخ به درخواست می‌تواند به صورت کلامی و یا غیرکلامی صورت

### منابع

- آرانسکی، یوسیف (۱۳۷۸). *زبان‌های ایرانی*. ترجمه علی‌اشرف صادقی. تهران: سخن.
- اشمیت، رودیگر (۱۳۸۳). *راهنمای زبان‌های ایرانی*. جلد ۲. *زبان‌های ایرانی نو*. ترجمه آرمان بختیاری و دیگران. تهران: ققنوس.
- سبزی‌پور، جهان‌دوست و نیک‌گهر، سیده فاطمه (۱۳۹۳).

بگیرد. از آن‌جا که فرهنگ گیلکی گرایش به ادب ایجابی دارد، شنونده معمولاً به‌طور مثبت به مهیاکننده‌ها پاسخ می‌دهد. در گیلکی میزان استفاده از ابزارهای تلطیف‌کننده، همبستگی مثبتی با قدرت اجتماعی مخاطب درخواست و میزان تحمیل و حتی گاهی جنسیت مخاطبان دارد. به بیان دیگر، هرچه جایگاه مخاطب بالاتر بوده یا میزان تحمیل تقاضا بالاتر باشد، میزان استفاده از ابزارهای تلطیف هم بیشتر می‌شود.

در راستای پاسخگویی به پرسش دوم پژوهش، محتوای فرمول‌واره‌های تقاضا بر اساس نظریه فرگوسن (۱۹۷۶)، مورد تحلیل قرار گرفت و مهم‌ترین ارزش‌های اجتماعی در فرهنگ گویشوران گیلکی رشت، مشخص شد. این ارزش‌ها عمدتاً عبارت‌اند از: ۱- نقش جامعه‌پذیری، ۲- نقش ادب در تعاملات اجتماعی، ۳- اهمیت رعایت حقوق دیگران، ۴- تواضع و بزرگ‌منشی و ۵- روحیه تعاون و مشارکت. در واقع با واکاوی ابعاد کاربردی- جامعه‌شناختی این فرمول‌واره‌ها، جنبه‌هایی از نظام اجتماعی- فرهنگی جامعه گیلکی رشت به‌تصویر کشیده شد.

نوآوری این پژوهش از زاویه هر دو پرسش محوری آن قابل بررسی است. از یک سو این پژوهش را می‌توان به‌عنوان گام اول در زمینه مستندسازی یکی از ابعاد کمتر پرداخته‌شده در گویش گیلکی رشت قلمداد کرد. از طرف دیگر، مضمون و محتوای جامعه‌شناختی- فرهنگی این فرمول‌واره‌ها واکاوی شد. هر چند مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- فرهنگی ذکر شده در این مقاله ممکن است از طریق سایر پژوهش‌ها، به‌طور مستقیم نیز قابل شناسایی باشند، اما نوآوری این پژوهش را می‌توان در شناسایی این مؤلفه‌ها از زاویه علم زبان‌شناسی دانست که این امر از عمق پیوند پدیده زبان با سایر پدیده‌های جامعه‌شناختی- فرهنگی حکایت دارد.

- فرهنگ‌نگاری گویشی (مطالعه موردی: بررسی فرهنگ‌نگاری در گیلکی)، *زبان‌پژوهی*، ۶ (۱۱)، ۶۵-۹۶.
- شیخ سنگ تجن، شهین و یوسفی گراکوئی، آزاده (۱۳۹۶). بررسی و مقایسه جامعه‌شناختی عبارات خطاب در زبان فارسی و گیلکی، *زبان‌شناسی اجتماعی*، ۱ (۲)، ۴۳-۴۶.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۹۱). *راهنمای گردآوری*

- پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- وفایی، وحید (۱۳۹۱). توصیف و تحلیل عبارات از پیش ساخته شده در زبان فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه پیام نور تهران.
- Aijmer, K. (1996). *Conversational routines in English*. New York: Longman.
- Blum-Kulka, S., & Olshtain, E. (1984). Requests and apologies: A cross-cultural study of speech act realization patterns (CCSARP). *Applied Linguistics*, 5(3), 196-213.
- Blum-Kulka, S., House, J., & Kasper, G. (1989). Investigating cross-cultural pragmatics: An introductory overview. In S. Blum-Kulka, J. House, & G. Kasper (Eds.), *Cross-cultural Pragmatics: Requests and Apologies* (pp. 1-36). Norwood, NJ: Ablex.
- Brown, P., & Levinson, S. (1987). *Politeness: Some universals in Language Usage*. New York: Cambridge University Press.
- Faerch, C., & Kasper, G. (1989). Internal and external modification in interlanguage request realization. In S. Blum-Kulka, J. House, & G. Kasper (Eds.), *Cross-cultural pragmatics: requests and apologies* (pp. 221-247). Norwood, NJ: Ablex.
- Ferguson, C. (1976). The structure and use of politeness formulas. *Language in Society*, 5(2), 137-151.
- Golding, C. (2005). Gromed theory, ethnography and comparative analysis of three qualitative strategies for marketing research. *European Journal of Marketing*, 39(3/4), 294-308.
- Holmes, J. (2001). *An introduction to sociolinguistics*. London: Pearson.
- House, J. (1989). Politeness in English and German: The functions of Please and Bitte. In S. Blum-Kulka, J. House & G. Kasper (Eds.), *Cross-cultural pragmatics: Requests and apologies* (pp. 96-119). Norwood, NJ: Ablex.
- House, J., & Kasper, G. (1981). Politeness markers in English and German. In F. Coulmas (Ed.), *Conversational routine: Exploration in standardised communication situations and prepatterned speech* (pp. 157-185). The Hague: Mouton de Gruyter.
- Levinson, S. (1983). *Pragmatics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Manoux, S., & Marmot, M. 2005. The role of socialization in explaining social inequalities in health. *Journal of Social Science and Medicine*, 60(9), 2129-2133.
- McNeill, P., & Chapman, S. (2005). *Research methods* (3rd ed.). New York: Routledge.
- Pawley, A., & Syder, F. (1983). Two puzzles for linguistic theory: Nativelike selection and nativelike fluency. In J. C. Richards, & R. W. Schmidt (Eds.), *Language and Communication* (pp. 191-226). London: Longman.
- Rose, K. (2001). Compliments and compliment responses in film: Implications for pragmatics research and language teaching. *International Review of Applied Linguistics*, 39(4), 309-326.
- Saberi, K. (2012). *Routine politeness formulae in Persian: A socio-lexical analysis of greetings, leavetaking, apologizing, thanking and requesting*. PhD thesis in Linguistics, University of Canterbury, Canterbury.
- Salmani Nodoushan, M. A. (2012). Rethinking face and politeness. *International Journal of Language Studies*, 6(4), 119-140.
- Salmani Nodoushan, M., & Allami, H. (2011). Supportive discourse moves in Persian requests. *International Journal of Language Studies*, 5(2), 65-94.
- Saville-Troike, M. (1989). *The ethnography of communication: An introduction* (2nd ed.). Oxford, UK; New York, NY, USA: Basil Blackwell.
- Searle, J.R. (1976). A classification of

- illocutionary acts. *Language in Society*, 5, 1-24.
- Trosborg, A. (1995). *Interlanguage pragmatics: Requests, complaints, and apologies*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Wolfson, N. (1989). *Perspectives: Sociolinguistics and TESOL*. Rowley: Newbury House.
- Wray, A., & Perkins, M. (2000). The functions of formulaic language: An integrated model. *Language and Communication*, 20(1), 1-28.